

پیشروایان فکری شیعه

-۱-

کلینی

ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحق کلینی رازی از بزرگترین فقهاء و محدثین متقدم شیعه و صاحب کتاب کافی مهمترین و بزرگترین کتب اربعه شیعه است .

قدیمترین کتبی که شرح حال وی در آن نوشته شده عبارت است از : رجال وفهرست شیخ طوسی (۱) و رجال نجاشی (۲) . مؤلفان کتب مذکور در شرح حال کلینی خیلی به اختصار کوشیده‌اند و به چند سطر در این باره اکتفا کرده‌اند ؛ اصولاً روش آنان در شرح حال کلیه فقهاء و محدثین بهمین نحو است . زیرا منظور آنها نگارش شرح حال این طبقه نبوده و فقط خواسته‌اند موقعیت این قبیل افراد را از نظر میزان وثوق و اعتماد به آنها در نقل احادیث، و اینکه در چه زمانی میزیسته ، و احادیث را از چه کسانی نقل کرده ، و چه کسانی از آنها حدیث نقل کرده‌اند بیان کنند و باین کیفیت نخستین کسانی که میتوانسته‌اند شرح زندگی و دیگر خصوصیات کلینی را تهیه نموده و برای آیندگان باقی بگذارند از انجام آن غفلت ورزیده‌اند . لذا درباره شخصی با این عظمت و اهمیت جز چند سطر در کتب رجال و تراجم و احوال نمی‌یابیم .

در هر حال شیخ طوسی در کتاب خود بنام فهرست کتب الشیعه درباره کلینی چنین میگوید :

« محمد بن یعقوب بن اسحق الکلینی الرازی یکنی اباجعفر شیخ اصحابنا فی وقتہ و وجههم و کان اوثق الناس

فی الحدیث و اثبتہم ، صاحب الکافی ، صنفہ فی عشرين سنة ، ثقة عارف بالاخبار » و سپس به کتاب کافی اشاره کرده و ابواب آنرا برمی شمارد .

نجاشی نیز در رجال خود درباره وی چنین مینویسد : « محمد بن یعقوب بن اسحق ابوجعفر الکلینی و کان حاله علان الکلینی الرازی شیخ اصحابنا فی وقتہ بالرئ و وجههم و کان اوثق الناس فی الحدیث و اثبتہم ، صنف الکافی الکبیر فی عشرين سنة . »

سید محسن امین از علمای معاصر شیعه که اخیراً در لبنان فوت شد در کتاب خود بنام اعیان الشیعه در ذیل عنوان گفته بزرگان ، درباره کلینی عبارت اخیر را از نجاشی نقل نموده و به او نسبت داده است .

البته صحیح است که نجاشی این عبارت را در رجال خود نقل کرده ولی با توجه به اینکه مشابه این عبارت در فهرست شیخ طوسی نقل شده و فهرست او پیش از رجال نجاشی تألیف یافته (۳) نسبت دادن این عبارت و این معرفی از کلینی به نجاشی خالی از تسامح نیست ، و بهتر است که این عبارت به شیخ نسبت داده شود . بخصوص که بایک تأمل سطحی واضح است که نجاشی این عبارت را از فهرست شیخ طوسی گرفته زیرا عین جملاتی که در فهرست شیخ بکار رفته در رجال نجاشی می‌بینیم .

نکته دیگری که در این مقام قابل ذکر است اینکه :

علامه مجلسی و محقق بحرانی وی را استاد کلینی میدانند . کلینی شیخ روایت بسیاری از فقهاء و محدثین بزرگ است ، و بسیاری از محدثین نامدار شیعه از وی روایت میکنند ؛ بنا به نقل شیخ طوسی در فهرست ، از جمله آنان شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان (متوفی ۴۱۳ هجری قمری) و ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی و ابو عبدالله احمد بن ابراهیم الصیمری معروف به ابن ابراهیم و ابو محمد هرون بن موسی التلعکبری و جز اینها بوده اند .

کتاب کافی :

کتاب کافی مهمترین کتب شیعه در حدیث است و در بین کتب اربعه شیعه که امهات کتب حدیث شیعه بشمار میآید بزرگترین و مهمترین آنها بشمار میآید سه کتاب دیگر از کتب اربعه عبارت است از : «من لایحضره الفقیه» تألیف محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق . «تهذیب» و «استبصار» تألیف محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی . کلینی خود در دیباچه کتاب کافی در علت این تألیف مینویسد که یکی از شیعیان بوی شکایت نموده که بعلت عدم وجود کتاب جامعی که کلیه فنون علم دین را شامل باشد مردم در وادی جهل و ظلمت افتاده اند ؛ و بهمین مناسبت کلینی به تألیف کافی مبادرت ورزیده تا هر کس بخواهد علم دین را بداند و به آثار و اخبار صحیح عمل کند بدان مراجعه نماید .

کتاب کافی بطور کلی مشتمل بر سی کتاب است بدین شرح :

کتاب العقل و فضل العلم ، کتاب التواحید ، کتاب الحجة ، کتاب الایمان و الکفر ، کتاب الدعاء ، کتاب فضائل القرآن ، کتاب الطهارة و الحیض ، کتاب الصلوة ، کتاب الزکوة ، کتاب الصوم ، کتاب الحج ، کتاب النکاح ، کتاب الطلاق ، کتاب العتق و التدبیر و المکاتبه ، کتاب الایمان و النذور و الکفارات ، کتاب المعیسه ، کتاب الشهادات ، کتاب القضايا و الاحکام ، کتاب الجنائز ، کتاب الوقوف و الصدقات ، کتاب الصيد و الذبائح ، کتاب الاطعمه و الاشریبه ، کتاب الدواجن و الرواجن ، کتاب الزی و التجمل ، کتاب الجهاد ، کتاب الوصایا ، کتاب الفرائض ، کتاب الحدود ، کتاب الآیات و کتاب الروضه .

بطوریکه محققان نوشته اند کتاب کافی دومین کتاب و بعد از موطأ مالک است که مبوب به ابواب و فصل گردیده و اولین کتابی است که به بهترین نوع از شروع یعنی (کتاب العقل و فضل العلم) مزین گردیده است . بنا به نقل صاحب لؤلؤة البحرین شماره احادیث کافی ۱۶۱۹۹ حدیث است که بنا به اصطلاح متأخرین بشرح زیر دسته بندی شده است :

احادیث صحیح : ۵۰۷۲

احادیث موثق : ۱۱۱۸

احادیث قوی : ۳۰۲

احادیث ضعیف : ۹۴۸۵

در حالیکه احادیث مسنده کتاب من لایحضره الفقیه ۳۹۱۳ و احادیث مرسل آن ۲۵۰۰ میباشد و جمیع احادیث استبصار ۵۵۱۱ میباشد .

برخی از محققان شیعه نقل میکنند : روش کلینی بر این است که احادیث را بر حسب صحت و وضوح مرتب و نقل کرده است بنابراین احادیثی که در اواخر ابواب نقل شده خالی از اجمال و اخفاء نیست .

بنا به نقل شهید ثانی (زین الدین بن علی بن احمد که به سال ۹۶۶ در قسطنطنیه شهید شده) در شرح رساله خود در درایه مبنای تألیف کافی چهارصد تصنیف از چهارصد مصنف بوده است (اصول اربعه) و همانطور که شیخ طوسی و نجاشی و دیگران نقل کرده اند کلینی ۲۰ سال تمام وقت خود را صرف تألیف کافی کرده است .

بعضی از علمای متأخر شیعه مانند مجلسی اول (متوفی ۱۰۷۰) و مولانا خلیل قرظینی (متوفی ۱۰۸۹) به علت آنکه کلینی در زمان غیبت صغری میریسته و بانواب امام عصر معاصر بوده احتمال میدهند احادیثی که به عنوان «قال العالم» و یا بعنوان «فی حدیث آخر» و امثال آن در کافی نقل شده بوسیله یکی از سفراء از امام عصر نقل شده باشد مگر اینکه قرینه ای وجود داشته باشد که خلاف این احتمال را ثابت کند . بحث است در اینکه کتاب کافی به نظر حضرت حجت رسیده یا خیر . در قدیمترین کتب معتبر شیعه مانند فهرست و رجال شیخ و رجال نجاشی چنین مطلبی دیده نمیشود و فقط شایع است که کتاب مذکور بر امام عصر عرضه گردیده و

حضرت فرموده‌اند : کاف لشیعتنا .

برخی از متأخرین نیز که متعرض این موضوع شده‌اند سندی ذکر نکرده و فقط با استفاده از قرائن و امارات چنین احتمالی داده‌اند ، از جمله مجلسی اول (۵) در شرح اصول کافی خود به فارسی میگوید : ممکن است که این کتاب به نظر اصلاحی حضرت حجت نیز رسیده باشد . مولانا خلیل قزوینی (۶) در مقدمه کتاب خود که بفارسی در شرح کتاب کافی نگاشته پس از ذکر مقدمه‌ای در ممکن بودن درک محضر حضرت حجت در آن زمان مینویسد : «و شاید که این کتاب مبارک بنظر اصلاح آن حجت خدا رسیده باشد .»

محدث نیشابوری در کتاب خود بنام « منیة المرئاد فی نفاة الاجتهاد » نیز مینویسد : حکایت شده که این کتاب به عرض رسیده و امام فرموده است : کاف لشیعتنا .

سید عبدالله شبر در کتاب درایة الحدیث خود از محدث جزائری نقل میکند که بعضی از معاصرین احتمال میدهند که کتاب کافی به حضرت عرضه شده باشد زیرا تألیف این کتاب در زمان غیبت صغری بوده و در این زمان نوشته هائی از امام برای شیعیان در اقطار زمین صادر میشده و درک محضر امام در اکثر اوقات برای آنان ممکن بوده پس چگونه ممکن است کلینی که در این عصر بسر میبرده و برای او ممکن بوده که کتاب خود را آنهم کتابی که خواسته است مرجع شیعه باشد به عرض حضرت برساند و اعتبار احادیث و صحیح و غیر صحیح آنرا تشخیص دهد از چنین کاری خودداری کرده باشد و کتاب خود را به حضرت عرضه نکرده باشد . در هر صورت آنچه که مسلم است در کتاب کافی

احادیث ضعیف وجود دارد ، و با این کیفیت بعید است که این کتاب به عرض حضرت رسیده و بر آن صحه گذارده باشد . و بعلاوه اگر موضوعی به این اهمیت صحت داشت متقدمین علمای شیعه مانند شیخ و نجاشی از آن ساکت نمی‌ماندند . و گفته‌های متأخرین نیز از جنبه احتمال و عقیده شخصی تجاوز نمیکند .

کتاب کافی مورد توجه کامل علماء و فقهاء شیعه قرار گرفته و مرجع آنان بشمار می‌آید و برای آن اهمیت به سزائی قائل هستند تا آنجا که گفته اند در اسلام کتابی به این اهمیت تألیف نشده است ، شهرت و اهمیت کافی خاص زمانهای اخیر نیست و از اول دارای اهمیت و مورد توجه بزرگان شیعه

بوده چنانکه نجاشی (متوفی ۴۵۰ هجری قمری) در رجال خود نقل میکند : من برای درس قرآن به مسجد لؤلؤی که همان مسجد نفلویه نجویست میرفتم و جمعی از اصحاب ما نزد ابوالحسین احمد بن احمد الکوفی الکاتب کافی را میخواندند .

بسیاری از دانشمندان شیعه کافی را شرح کرده و بسیاری آنرا ترجمه نموده و برخی به شرح و تحقیق بعضی از مشکلات آن پرداخته‌اند .

کلینی غیر از کافی تألیفات دیگری نیز دارد و آنچه که منابع مختلف از تألیفات وی نام برده‌اند بدین شرح است :

۱ - کتاب رد بر قرامطه

۲ - کتاب تعبیر رؤیا

۳ - کتاب رجال .

۴ - کتاب رسائل الاثمة .

۵ - کتاب ماقبل فیهم (اثمة) من الشعر .

کلینی و محمد ابوزهره :

بی‌مناسبت نیست که در خاتمه این بحث عقیده محمد ابوزهره را درباره کلینی نقل و نقد کنیم .

محمد ابوزهره در کتاب خود به نام «الامام الصادق - حیاته و عصره - آراؤه و فقهه» مینویسد : « ما نمیتوانیم تمام روایات کلینی را بپذیریم زیرا وی مدعی است که امام صادق فرموده است دو قرآن نقص و زیادی وجود دارد ، در حالیکه بزرگان علماء شیعه مانند سید مرتضی و شیخ طوسی و دیگران در این مورد کلینی را تکذیب کرده و نقیض ادعای کلینی را از امام صادق نقل کرده‌اند . » (ص ۲۶ کتاب مذکور چاپ دارالثقافة العربیة للطباعة) .

وی در صفحه ۱۶ همین کتاب کسی را که معتقد باشد در قرآن نقص است کافر و خارج از اسلام دانسته است ، و خلاصه کلام اینکه از نظر محمد ابوزهره کلینی مسلمان نمیباشد .

در پاسخ محمد ابوزهره باید گفت :

اولا - نقل حدیثی در کافی دلیل اعتقاد کلینی بر مضمون آن حدیث نیست و همانطور که در بحث مربوط به کتاب کافی گفته شد احادیث ضعیف در کافی وجود دارد و احتمالا کلینی خود بر این امر وقوف داشته‌است .

والجواب... ثانياً - اعتقاد به وجود نقص در قرآن و به عبارت دیگر اعتقاد به اینکه جمع کنندگان آیات قرآن مجید به آیاتی دسترسی پیدا نکرده و به ضبط آن نپرداخته اند کفر نیست ، موجبات کفر معین و معلوم است و هیچکس نگفته است که چنین اعتقادی از موجبات کفر و خروج از دین اسلام است .

ثالثاً - بنا به نقل عبدالله السبیتی در صفحه دهم کتاب «مع ابی زهره فی کتاب الامام الصادق» بخاری و مسلم و دیگر از محدثان اهل سنت ، احادیث بسیاری در نقص قرآن نقل کرده اند و در عین حال محمد ابوزهره و دیگر محققان آنرا خارج از دین اسلام نمیدانند .

یادداشتها :

- (۱) شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی از فقهای بزرگ شیعه است که بسال ۳۸۵ هجری قمری متولد و در سال ۴۶۰ فوت شده است .
- (۲) احمد بن علی بن احمد بن العباس بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن محمد بن عبدالله النجاشی که از محدثین و فقهای مورد اعتماد شیعه است بسال ۳۷۲ هجری قمری در قریه مطیر از نواحی سامره (سرزمین رآ) متولد و در سال ۴۵۰ فوت شده است .
- (۳) شیخ و نجاشی معاصر یکدیگر بوده اند ولی دلیل آنکه فهرست شیخ قبل از رجال نجاشی تألیف شده این است که نجاشی در رجال خود شرح حال شیخ را نوشته و در زمره تألیفات او کتاب فهرست او را نام میبرد و همان کیفیت روشن میشود موقعی که نجاشی خود را تألیف میکرده فهرست شیخ تألیف شده و درست بوده است .
- (۴) در تنقیح المقال ضبط این حدیث که از باب چهارم کتاب التبوة جامع الاصول که از صحیح ابوداود و از پیغمبر نقل شده چنین است : ان الله یبعث لهذه الامم عند راس کل مائة من یجدلها دینها .
- (۵) ملا محمد تقی پدر ملا محمد باقر مجلسی متوفی بسال ۱۰۷۰ هجری قمری .
- (۶) خلیل بن الغازی قزوینی که بنا به نقل شیخ حر عاملی در تذکره المتبحرین شخصی بود عالم ، فاضل ، علامه ، حکیم ، متکلم ، محقق ، مدقق ، فقیه ، محدث ، نفع و جامع فنانل که دارای تألیفات بسیار از جمله «صافی» در شرح «کافی» به فارسی و در دوازده جلد که به امر شاه عباس کبیر تألیف کرده است . وی به سال ۱۰۸۹ هجری قمری فوت شده است .